

شهید علیرضا اخلاقی



ازتبار علی
سازمانه جامع سرداران و شهزادگان استان بوشهر

نام پدر	غلامحسین
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۶/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۵/۲۵
محل شهادت	خورموج
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	خورموج

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید علیرضا فرزند حاج غلامحسین، به سال ۱/۶/۴۷ در شهر ادب پرور خورموج در خانواده متدین و پرتلاش دیده به جهان گشود. علیرضا فرزند هشتم خانواده بود. از همان کودکی روحیه‌ای جستجوگر و فعال داشت. تحصیلات ابتدائی را در دبستان حکمت گذراند و جهت ادامه تحصیل وارد مدرسه راهنمایی شهید سروری شد.

ادب و متانت شهید با دوستان بخصوص دبیران خود زبانزد بود. دبیران علیرضا از جمله حاج رحمان فراری و غلامرضا عبدالشاهی در مورد حسن سلوک، رفتار و ادب و متانت شهید مطالب جالبی بیان فرمودند. از همان سالهای نوجوانی عضو فعال بسیج محل شد و در مدرسه نیز فعالیت چشمگیر داشت. جوانی فعال در تمام زمینه‌ها بود. قسمتی از وقت خویش به ورزش، بخصوص فوتبال می‌پرداخت.

تا شهادت :

شهید از اعضا فعال بسیج بود و زمانی که مقر بسیج در مدرسه علمیه بود شهید به پاسداری می‌پرداخت و وقتی مقر بسیج به قلعه منتقل شد، علیرضا به مأموریت و وظیفه نگهبانی و پاسداری ادامه داد. علیرضا طی حکمی، به مأموریتی در تاریخ ۲۵/۵/۶۲ به محل مأموریت خود رفت ولی در هنگام مأموریت و انجام وظیفه در محل نگهبانی به علت حادثه برق گرفتگی، شب هنگام به شهادت رسید.

مصاحبه

در محضر پدر شهید: (مصاحبه)

— چند ویژگی برجسته شهید:

احترام بیش از حد به پدر و مادر و همه اعضا خانواده، با اینکه شهید تا هنگام شهادت سن بالائی نداشت اما مثل یک بزرگسال روحیه تعاون و همکاری داشت.

— عکس العمل و رفتار و خاطره شما در آخرین وداع در شب شهادت:

آن شب با توجه به مأموریت رسمی محوله برای نگهبانی و پاسداری به محل خدمت رفت و پاسی از شب ۲۵ مرداد ماه خبر شهادت او را آوردند و با تمام غم و اندوه فقدان پسر، به عنوان پدر شکر می گویم خدا را که پسری مثل علیرضا در راه اسلام و انقلاب تقدیم نمودیم.

— تأثیر شهادت شهید و رسالت شما:

شهید با شهادتش به همه ما درس ایثار و مقاومت آموخت و بما نشان داد که مردی و مردانگی در عمل چیست. و ادامه راه این شهیدان عزیز ممکن نیست مگر اینکه اخلاق پسندیده آنها را سرمشق خود قرار دهیم.

در محضر مادر شهید:

— ارتباط شما با شهید:

شهید با همه اعضا خانواده بخصوص با من ارتباط خیلی صمیمی داشت و جهت جلب رضایت من خیلی زحمت می کشید.

— در آخرین وداع و شب شهادت چه خاطره ای از شهید بیاد دارید؟

پس از صرف شام، با توجه به نزدیکی محل مأموریت و پاسداری و نگهبانی، علیرضا از من خداحافظی کرد. گویا به دلیم برات شده بود و خودم را برای خبر مهمی آماده کردم، آخر شب خبر شهادت او را به ما رساندند. با تمام مصیبت داغ پسر شهادت او باعث افتخار من که مادرش می باشم، شد. زیرا چنین فرزندی را در دامن خود پرورش داده بودم.

— پیام شما به عنوان مادر شهید به مادران چیست؟

اول سعی کنند در رفتارها صبر و تحمل کنند. فرزندان را چه پسر و چه دختر مطابق اصول اسلامی پرورش دهند. برای پرورش بهتر فرزندان، پدرها و مادرها خودشان بهترین الگوی اخلاقی باشند.

در مصاحبه با برادر شهید:

— خود را معرفی کنید:

عبدالرضا اخلاقی هستم، برادر شهید علیرضا اخلاقی و در حال حاضر کارمند شهرداری خورموج می‌باشم.

– ارتباط شما با شهید علیرضا:

در دوره دبستان همراه علیرضا در فعالیت‌های ورزشی همکاری داشتیم. با اینکه بیش از ده سال از سنش نمی‌گذشت. همراه هم در راهپیمائی‌ها شرکت می‌کردیم و بسیار شور و اشتیاق داشت.

– رفتار علیرضا در مدرسه چگونه بود؟

در دبستان و بخصوص در مدرسه راهنمائی رفتار و کردار علیرضا واقعاً نمونه بود. دانش‌آموزی به سن علیرضا، رفتاری متین و در حد بزرگسالان بود و بسیار با تجربه، به قضاوت دو تن از دبیران علیرضا در دوره راهنمائی □ آقایان فراری و عبدالشاهی، رفتار و اخلاق این شهید نمونه کامل یک بسیجی اهل عمل بود.

– پس از شهادت شهید علیرضا چه مطلب قابل‌ذکری دارید؟

باتفاق خانواده و جهت شادی روح مطهر شهید عهد بسته‌ام که هر سال مراسم سالگرد این عزیز را در حرم مطهر امام رضا برگزار کنیم.

ما خانواده شهدا که وارث خون شهیدان هستیم باید در اخلاق اسلامی برای دیگران الگو باشیم.

خاطرات

با خاطرات شهید اخلاقی: (در بیان همسنگر شهید، حسین رضائی)

تمام لحظاتی که در پایگاه شهید عاشوری و یا در بسیج با شهید علیرضا بودم. هر وقت صحبت از پاسداری و نگهبانی یا خدمتی می شد علیرضا همیشه پیشقدم بود و بدون هیچگونه چشمداشتی، صمیمانه خدمت می کرد. از جمله خاطرات شیرین اینکه علیرضا با تمام سعی و کوشش و خدمتی که در بسیج می کرد و اوقات بیکاری خود را در آنجا و خدمت به مردم صرف می کرد، اما از نظر درسی و اخلاق در مدرسه نیز الگو و نمونه بود و دبیران و مسئولان مدرسه صحبت از اخلاق و رفتار او می کردند.

گاهی این قدر در مورد رفتن به جبهه بی تاب می کرد که زار زار گریه می کرد. اما فرماندهان به علت سن کم او ممانعت می کردند. و او بارها با گریه می گفت: پس کی ما هم به فیض شهادت می رسیم. و بعدها برایم معلوم شد که باغ شهادت راه های متعدد دارد.

آن شب که از نیمه شب گذشته بود با یک دنیا عشق و معرفت به انجام وظیفه مشغول شد و در حالت نگهبانی به عالمی دیگر فکر می کرد. وقتی آن حادثه رخ داد و علیرضا به شهادت رسید، وقتی پیکر مطهر او را دیدم معنی اشکهای گرم او را که برای شهادت دعا می کرد فهمیدم.

سیری در گلستان اخلاق و معرفت شهید اخلاقی:

عشق و علاقه و احساس وظیفه نسبت به بسیج و خدمت به انقلاب.
حس احترام و قدر شناسی به پدر و مادر و معلمان.
در مواقع بیکاری تمام وقت خود را در نگهبانی و پاسداری در بسیج می گذراند.
انجام وظیفه هم در سنگر مدرسه و کسب علم و هم خدمت بسیج.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران